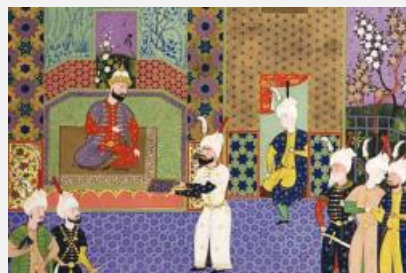


گام‌های بلند شاه‌عباس در سیاست

آثاری که فیلسوفان نوشته‌اند و این آثار از بقیه مشهورتر است، از جمله مهم‌ترین این کتاب‌ها «آرای اهل مدینه فاضله» فارابی است.



در عالم اسلام چهار نوع نوشته سیاسی وجود دارد:

1- آثاری که فیلسوفان نوشته‌اند و این آثار از بقیه مشهورتر است، از جمله مهم‌ترین این کتاب‌ها «آرای اهل مدینه فاضله» فارابی است.

2- سیاست‌نامه‌ها که متضمن گزارش‌هایی از سیرت و روش سیاستمداران و تدبیر آنهاست و مثال آنها «سیاست‌نامه» نظام‌الملک است.

3- مجموعه حکم و اندرزهای حکیمان و خردمندان که مخاطب بعضی از آنها اهل سیاست و فرمانروایان محسوب می‌شوند. «جامه‌دان» خد» ابعل، مسکبه بک، از مهمت ب، آنماست.

4- کتاب‌هایی که می‌توان آنها را فقه سیاسی خواند. در این کتاب‌ها احکام شرعی حکومت و نظام حکومت دینی تقریر شده است و شاید مهم‌ترین آنها «الاحکام السلطانیة» ماوردی باشد. کتاب‌های دسته اول و سوم را بیشتر فیلسوفان نوشته‌اند و این افراد با شیعه بوده‌اند، نظریات شیعه قایت داشته‌اند.

کتاب‌های نوع دوم و چهارم هم اغلب از آثار سیاستمداران و دانشمندان سنی مذهب بودند. در دوره صفوی که یک حکومت شیعه بر سر کار است، طبیعتاً باید از آثار نوع اول و سوم منابعی در اختیار باشد و چون سیاست خارجی باوجود دوره‌های قبل در این دوره اهمیت زیادی پیدا کرده بود، این نوشته‌ها مه‌تداند بسا، انشمند باشد.

این منابع از آن جهت حائز اهمیت است که از طریق آنها می‌توان با تئوری‌های سیاست خارجی آن زمان آشنا شد، اما متأسفانه از این قبیل منابع در دوره صفوی یافت نمی‌شود. در دوره شاه‌عباس، ملاصدرا بود که مطرود شد و به این ترتیب گزینه اول موجودیت خودش را از دست داد. ضمن این که ملاصدرا مثل فارابی برای آرمانشهر برنامه‌ای در نظر نگرفته بود. شیخ بهایی هم بود که در آثارش بیشتر به سیاست داخلی پرداخته و در نتیجه گزینه سوم نیز محلی از اعراب نداشت. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست خارجی شاه‌عباس و در کل صفویه تئوری نداشت. تنها چیزی که خاصه در دوره شاه‌عباس رواج داشت، شعار مرگ بر عثمانی بود؛ دقیقاً مثل شعار عثمانی‌ها که می‌گفتند ما به دوستی کفار احتیاجی نداریم. این گونه شعارها را نمی‌توان از مبانی سیاست خارجی به حساب آورد. البته شاه‌عباس در عمل توانست سیاست خارجی ایران را با گام‌هایی بلند به جلو ببرد. از جمله اولین اقدامات او بحث زمین دادن و زمان گرفتن بود که با پذیرش صلح استانبول عملی شد و تأثیر

حشمد، ب آینده، رابط با اونا گذاشت.

درباره تئوری سیاست خارجی در اروپا این قضیه برعکس ایران و عثمانی جدی گرفته می‌شد. مثلاً استفان کاکاش، سفیر آلمان در دربار شاه‌عباس از اولین کسانی است که فکر اروپای متحد در برابر ترک‌ها را مطرح می‌کند. این اتحاد چیزی بود که در آن روزگار بیشتر به رویایی دست نیافتنی شبیه بود، چراکه اختلافات مذهب کاتولیک و پروتستان و دعوای سیاسی و نژادی دربار فرانسه و انگلیس کمر اروپا را شکسته بود. از دیگر تئوری‌پردازان سیاست خارجی اروپا، میکال آنجلو ایتالیایی بود که به تحریک شورشیان در کشورهای دشمن معتقد بود. او خودش به این منظور ابتدا به عثمانی رفت تا شورشیان را که بر سر مساله

حانشین، با حکمت، محابه داشتند، تحریک کند و سپس به ابدان، بناده شاه‌عباس، با به حمایت از ابدان، باغ، دانگند.

دلیل آن که سیاست خارجی شاه‌عباس متمایز است سیاست داخلی موفق اوست، زیرا اگر پشتوانه سیاست خارجی، سیاست داخلی نباشد پیروزی‌ها ناپایدار خواهد شد. برعکس این قضیه هم صادق است؛ یعنی اگر دولت، سرگرم مسائل سیاست خارجی شود و تنها به دنبال پیروزی در آن باشد راست‌ها این پیروزی را مصادره خواهند کرد. اگر راست‌ها را همان قزلباشان بدانیم،

شاه‌عباس، آنما، ا مها، کده بود.

همان‌طور که می‌دانیم، مفهوم راست از منافع سرچشمه می‌گیرد و راست‌ها مخالف تغییر در اصول هستند و مفهوم چپ از روشنفکری و تغییر نشات می‌گیرد. دولت شاه‌عباس را می‌توان یک دولت چپ در نظر گرفت که در اصلاحاتش موفق عمل کرد و در نتیجه در سیاست خارجی هم اتفاقات خوبی افتاد، اما این اتفاقات آغازگر شیوه‌ای جدید نبود. این که گفته شد باوجود

بی‌تئوری بودن سیاست خارجی شاه‌عباس، دوره او متمایز است فقط از نظر گسترش روابط منظور است، نه ابداع. با این حال

همه، گستش، رابط خارج، بک، از دلانا، ماندگار، حکمت صفحه، د ده‌ها، بعد بود.

منظور شاه‌عباس از سیاست خارجی ضربه زدن به عثمانی بود، اما همین هدف باعث شد روابط تجاری خوبی بین ایران و

دولت‌های اروپایی به وجود بیاید؛ چراکه ایران و اروپا یک دشمن مشترک به نام عثمانی داشتند. با این حال شاه‌عباس دیدی

ساده‌لوحانه نسبت به اروپا و میزان دشمنی آنها با عثمانی داشت. خشم شاه‌عباس از آلمان و اسپانیا به خاطر وعده‌های دروغین

آنها گواه این مدعاست. شاه‌عباس از آنتونیو دوگوآ، سفیر اسپانیا خواست با سفر به واتیکان از پاپ بخواهد قرارداد صلح میان

عثمان، ه آلمان، با لغه کند. ابد، خد گاه ساده‌لوح، د، سیاست خارج، ابدان، بود.

شاه‌عباس یا متوجه نشده بود اروپاییان او را در مقابل عثمانی به بازی گرفته‌اند یا می‌دانست، ولی چاره‌ای نداشت. اروپا قصد

نداشت خود را درگیر خصومت‌های بی‌ارزش ایران و عثمانی کند. همچنان که عثمانی میل نداشت نیروی خود را به جنگ با

ایران گرفتار کند، ولی از یک سو تحریکات قزلباشان در عثمانی سلطان را مجبور می‌کرد به ایران حمله کند و از سوی دیگر عثمانی

می‌خواست به اروپا بفهماند ایران کشور قدرتمندی نیست که شما بخواهید روی آن سرمایه‌گذاری کنید. از طرفی اروپا اعتقاد

داشت کمک به ابدان، م‌ت‌ماند اب، ک‌شه، ا، د، آ‌نده به قد، ت، علیه ا‌ه‌ما تندبا، کند. گزینه نظامی که همواره در مواجهه با عثمانی روی میز بود در مقابل اروپا محلی از اعراب نداشت. در سیاست خارجی هم شاه‌عباس اغلب تیزهوشانه عمل نمی‌کرد. بنابراین شاه‌عباس در برابر اروپا نه شیر بود، نه روباه. در مورد روباه نبودن شاه‌عباس می‌توان به فرستادن شرلی انگلیسی به دربار اسپانیایی که از انگلیسی‌ها تنفر داشتند اشاره کرد. یا مثلاً شاه‌عباس مترجمان خبره‌ای را با تیم مذاکره‌کننده ایرانی نمی‌فرستاد. به عنوان نمونه، سفارت موسی بیگ به هلند به همین دلیل بی‌نتیجه ماند. اینها نشان می‌دهد شاه‌عباس شایسته‌سالاری را در سیاست خارجی مد نظر قرار نمی‌داد. خود شاه نیز اشتباهاتی داشت. میکل آنجو از دوک‌نشین تسکانا آمده بود تا شاه‌عباس را به حمایت از شورشیان عثمانی تحریک کند. او با تمام لیاقتش بعد از چند سال از ت‌س، ا‌ب، که شاه‌عباس، ا‌ه، ا، مسلمان، کند به هنده‌ستان، گ‌بخت. تنها سیاست تیزهوشانه شاه‌عباس این بود که برای آن که یکی از کشورهای اروپایی به تنهایی در خلیج فارس قدرت پیدا نکند و با نیروی دریایی خود استقلال و حاکمیت ایران را تهدید ننماید با ایجاد رقابت بین کشورهای پرتغال، اسپانیا، انگلستان و هلند توانست از نفوذ و اعمال قدرت آنها جلوگیری نماید و از اختلافات آنها به نحو احسن به صلاح و منفعت ایران استفاده کند. چنان که در 1010 هـ.ق. بحرین، در 1022 هـ.ق. بندر گمبرون و در 1031 هـ.ق. قشم و هرمز را از تصرف پرتغالی‌های متجاوز خارج ساخت و برای این که انگلیسی‌ها تجارت با ایران را در انحصار خود در نیاورند پای تجار هلندی و ونیزی را نیز به ایران باز کرد. ا‌ب، ب‌ک، از ب‌فت‌ب، سیاست‌ها، شاه‌عباس، در ع‌صه خارج، بهد. از دیگر سیاست‌های خوب شاه‌عباس حق آزادی مذهبی برای مبلغان اروپایی بود که این تسامح باعث جلب توجه اروپایی‌ها و بخصوص فرانسوی‌ها شد و سود سرشاری را عاید ایران کرد، چراکه لویی چهاردهم اعتقاد داشت منافع مذهبی و بازرگانی باید مکمل، هم باشد. این که گفته شد شاه‌عباس مبدع شیوه تازه‌ای در عرصه سیاست خارجی نبود، نمی‌تواند سرپوشی باشد بر برخی خلاقیت‌های او که اگر ادامه می‌یافت، می‌شد از آن به ابداع نیز یاد کرد. به عنوان نمونه شاه‌عباس برای اولین بار وارد جنگ غیرمترعارف شد. جنگ غیرمترعارف در اصطلاح علوم سیاسی به وسیله واحد نظامی غیرمنظم مثل چریک‌ها و کماندوها انجام می‌شود. پیشنهاد شاه‌عباس به پادشاه لهستان این بود که قلعه‌ای در یکی از بنادر دریای سیاه نزدیک ترابوزان بسازد و آن را به قبایل قزاق بسپارد و سپاهیان قزلباش آن را در برابر دشمنان محافظت خواهند کرد. پادشاه لهستان موافقت کرد، اما در این زمان ایران روابط خود با عثمانی، تحکیم کرده بود و د‌ب‌گ به ا‌ب، قضیه ه‌ق‌ع، ننهاد. در پایان باید گفت از دلایلی که اروپا در سیاست خارجی آن دوره موفق بود یکی تکنولوژی بود (تکنولوژی ساخت کشتی و مسیریابی و تجهیزات نظامی و...) و دیگری آگاهی بود؛ آگاهی از وضع ممالک دیگری که توسط سفرنامه‌نویسان، بازرگانان، سفیران و کشیشان به دست می‌آمد که البته می‌توان آن را نوع خاصی از جاسوسی نیز به حساب آورد و به این وسیله اطلاعات می‌توانست در خدمت سیاست خارجی در بیاید، در صورتی که ایرانیان نه تکنولوژی داشتند، نه اطلاعات. عثمانی هم تا حدی همین‌گونه بود، اما نه به اندازه ایران. فقط جغرافیای ایران مهم بود. ایران سر راه تجارت هند قرار داشت و می‌توانست از این واسطه‌بودن، سود زیادی کسب کند که البته با سیاست‌های قابل قبول شاه‌عباس در امور بازرگانی توانست در این زمینه موفق ع‌ما، کند. منابع: د‌ا‌ه، ا‌د‌ک‌ا‌ن، رضا، نگاه، د‌ب‌گ به تاریخ فلسفه اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1387. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (1500 - 1945)، تهران: مؤسسه انتشارات ام‌د‌ک‌ب، 1386. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه‌عباس اول صفوی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، 1374. میلاد پرنیانی / دانشجوی دکتری تاریخ